



گامی دیگر در موسیقی اصیل ایرانی

کنسرت موسیقی سنتی ایرانی در آبان ماه گذشته در تالار وحدت برگزار شد. در این کنسرت گروه شیدا و عارف به سرپرستی حسین علیزاده و تک خوانی بیژن گامگار و شهرام ناظری و صدیق تعریف برای شش شب متوالی برنامه اجرا کردند. این کنسرت با استقبال گسترده ای از سوی مردم هنردوست مواجه شد، به گونه ای که از ساعت های اولیه بامداد برای دریافت بلیت در جلو تالار وحدت صف می کشیدند و سرانجام هم با وجود آنکه ظرفیت نشسته و ایستاده تالار وحدت پر می شد، گروه کثیری نتوانستند برنامه مورد علاقه خود را ببینند. نوشتار حاضر ضمن گزارشی از این کنسرت به کار گروه شیدا و عارف در این برنامه نگاهی افکنده است.

آنچه در تالار وحدت ارائه شد نه فقط به عنوان حاصل چندین سال کار علیزاده که چون شاخه ای بارور از موسیقی نوآر ایران جای بررسی دارد. در این مجال اندک تنها می توان به برخی از خطوط پررنگ این تصویر متحول اشاره داشت. از سالها پیش موسیقی سنتی ما به تدریج به موسیقی مجلسی تبدیل شد که هرچند قالب را به درستی و استادی حفظ کرده بود اما جز کالبدی جامد از آن برجای نمانده بود. و بدین سان، در برابر تحولات سالهای ۱۳۴۱ به بعد و بویژه دهه پنجاه که آثار فرهنگی - اجتماعی تحول دهه پیش در جامعه خود را نشان داد، در حلقه خواص، اسیر فرمالیسمی بی مایه به تکرار خود پرداخت. نیاز زمانه نسل دیگری را به میدان آورد که در بستری دیگر رشد کرده بود. موسیقی ایرانی از سالهای ۵۴ و بویژه ۵۷ به بعد از سنت به خلاقیت و اصالت پرکشید. مخاطبان رمیمده را بازیافت و در پیوند با آنان به هنری پویا تبدیل شد که اگر نه پیشتر از شعر و رمان فارسی، دستکم در کنار آن

هنوز هم اگر برخی محدودیتها در کار نباشد چه بسا که بر زمینه بسند منحرف شده عمومی بار دیگر به میدان آید. هشدار برای دست اندرکاران موسیقی که اگر از همراهی با زمانه درماتند مخاطبان خود را از دست خواهند داد. بذری که دگرگونیها و ضرورت های زمانه با شکل گیری گروه شیدا و عارف در بستر موسیقی ملی ما افشاند و با نوآوریهای لطیف، علیزاده و دیگران می رود تا موسیقی ما را از چارچوب تکرار و سنت رها کند، اکنون و بویژه در سالهای انقلاب و پس از آن، به شکوفائی خود نزدیک می شود. اقبال عمومی مردم به جنبش موسیقی اصیل نشان داد که نوآوری اگر در پیوند با اصالت و سنت و همگام با زمانه و خلاقیت برآید، با پذیرفتن مردمی روبرو خواهد شد که نیازهای ذهنی و عاطفی و بازتاب زمانه خود را در هنر پیشرو می یابند و این شاید نخستین درسی باشد که از یک نگاه کوتاه به دو دهه تحول موسیقی اصیل و مخاطبان آن به سادگی می توان دریافت.

کنسرت گروه "شیدا و عارف" به سرپرستی حسین علیزاده در تالار وحدت رخدادی مهم بود با ابعاد گسترده برای موسیقی، هنر و فرهنگ اجتماعی ما. اجرای زنده موسیقی اصیل ایرانی در تالار وحدت سرآغازی راهگشا برای پاسخدهی به یکی از نیازهای متقابل هنرمند و مخاطبان او، یعنی تیار به رودرروئی و هم نفسی با یکدیگر در اجراهای زنده و عمومی است، که مدتی به فراموشی سپرده شده بود. آغازی چنین برپا و خلاق با آثار علیزاده را باید به فال نیک گرفت. این کنسرت، اگرچه همه جاذبهها و مشخصات موسیقی نوآر ایران را دربر نداشت، اما یکی از گویاترین و زیباترین جلوه های موسیقی اصیل و پیشرو ایرانی بود. کار گروه شیدا و عارف جلوه ای بود از امکانات بارآور موسیقی ایرانی در برابر موسیقی سنتی و موسیقی عامیانه مبتذل که اولی سالهاست جز حفظ وفادارانه ردیفها حرفی برای گفتن ندارد و آن ابتذال گسترده نیز اگر مقبولیتی داشت بر زمینه ضعف موسیقی سنتی بود و

حکایت زمانه را بازمی‌گوید و در زمانه تاثیر می‌کند.

آثار علیزاده از آغاز در دو سوی متفاوت اما به نوعی مرتبط ارائه شده است. دسته اول آثاری که می‌توان پیشینه آنها در کسرت "نوا" یافت و دسته دوم آثاری که جلوه‌های پررنگ و سرشار خود را در کارهایی چون "سواران دشت امید"، "حصار"، "نی‌نوا" و... نشان داد. آثار ارائه شده در تالار وحدت بیشتر حال و هوای کارهای دسته اول علیزاده را دربر داشت. اما در این آثار نیز برخی از نوآوری‌های علیزاده در موسیقی ایرانی در کنار استادی بی‌بدیل در اجرا جلوه کرد. در آثار علیزاده پیوند خلاقانه سنت با روح زمانه، برداشت دلنشین و پربراری از اصالت و نوآوری را به گوش شنونده می‌نشانند. پویایی و تحرک درونی چون یکی از عناصر نوآوری علیزاده به ردیف‌های سنتی ما بعد تازه می‌بخشد، ریتم و بهره‌گیری خلاقانه از آن نه فقط به معنای تمپو (تندی و کندی ریتم) که چون تحرکی پویا که پیوستگی ملودیا را در قطعات بدیع حفظ کرده و اثر را به زمان حال و آینده پیوند داده و ذهنیت نو را به تمامی بیان می‌کند. در بیشتر آثار او از جمله در اجرای تالار وحدت نقشی ویژه دارد. تحرک ریتم برای رسیدن به جوهر و ذات و بهره‌گیری از تمامی ابعاد آن، چون عنصری که از خود می‌شکوفد در کار علیزاده جلوه‌ای خاص دارد. ملودیهایی نو و بکر که از ذهن و پنجه او می‌تراود با خود ریتم‌های تازه‌ای به‌ار می‌آورد که به موسیقی او مفهومی نو می‌بخشد. در بداهه‌نوازی‌های او همواره نوعی ریتم با برداشتی تازه دیده می‌شود که کار او را از دیگران جدا می‌کند. تغییر تم و حالت‌های ردیفی به صورت وارسی‌سویی زیبا از مشخصات برجسته آثار علیزاده در اجرای تالار وحدت نیز به‌کار آمد تا جلوه‌ای نو از اصالت و پربراری موسیقی ما بدست دهد.

شاید یکی از دلایل توجه حسین علیزاده به "چهار مضرب" را نیز بتوان با همین ساله توضیح داد. چهار مضرب، بیشتر از دیگر فرم‌های سنتی امکان بهره‌برداری از ریتم را، به مفهومی که علیزاده جستجو می‌کند، در خود دارد. در میان فرم‌های موسیقی‌سازی ما (پیش‌درآمد، رنگ، چهارمضرب - ضربی) امکانات پررنگ چهارمضرب چندان شناخته نشده و اگر از چهار مضرب ماهور صبا و چند چهار مضرب "حبیب سمعی" و... بگذریم به کمتر چهارمضربی برمی‌خوریم که بر پایه‌ای مشخص و ملودیهایی محکم بنا شده باشد اگر یکی از مفاهیم نوآوری اصیل

را بهره‌گیری خلاقانه از امکانات سنت با برداشتی نو برای ایفای کارکردی تازه و ضروری در پیوند با زمانه بدانیم چهارمضرب‌های علیزاده را می‌توان از بهترین نمونه‌های نوآوری اصیل بشمار آورد. چهار مضرب راست پنجگانه و ماهور در آثار پیشین و چهارمضرب ترک در اجرای تالار وحدت نمونه‌های درخشانی از غنای نوآوری و بازسازی خلاق سنت را نشان می‌دهند.

خلاقیت در کار تصنیف‌سازی نیز جلوه‌ای تازه به این فرم می‌دهد. تصنیف‌های بیاساقی و "صبح" که با صدای بیژن کامکار و شهرام ناظری در تالار وحدت ارائه شد، هرچند از حال و هوای زمانه چند سالی عقب بودند، اما نگاه تازه و بکر علیزاده را نشان می‌دادند. حفظ امانت کامل در تلفیق شعر و معنای جمله موسیقی، برخورد آزادتر با شعر و... نشانه‌هایی از علیزاده در تصنیف‌سازی را به نمایش می‌گذارند.

در کسرت تالار وحدت به آثاری برمی‌خوریم که شاید نتوان در فرم‌های موسیقی کلاسیک برای آنها نامی یافت و باز شاید اصطلاح "قطعه" برای آنها مناسب باشد "خران"، "شوریده" و "شورانگیز" را می‌توان از این دست آثار شمرد. و بدینسان و بر زمینه ضرورتها گروه شیدا و عارف ترتیب سنتی (پیش‌درآمد - آواز - چهار مضرب - آواز - ضربی - آواز - تصنیف - رنگ) را درهم شکسته و متناسب با محتوا، احساس و زمانه روایتی نو و مناسب حال و زمانه بیان می‌کند. بی‌آنکه از اصالت آن دور افتد. گاه با بداهه‌نوازی شروع می‌کند و گاه با چهار مضرب، از یاد تیرم که قالب تا آنجا اصیل است که با محتوای خود هماهنگ باشد و اگر حرقی تازه برای گفتن داریم قالبی نو و درخور آنها باید که خلق کنیم. گفت‌وگوی زیبا و خلاق‌تار با دیگر سازها در قطعه خزان، هماهنگی شورآفرین سازها با خواننده در قطعه شوریده و دونوازی پراحساس، پویا، استادانه و بدیع علیزاده با ارشد در قطعه شورانگیز چنان سرشار و زنده‌اند و چنان درخود کاملند که هر کلامی را به موافقت و یا مخالفت بیهوده می‌نمایند.

گروه‌نوازی در این اجرا خصلتی ویژه یافته است. رابطه عمیق حسی، همخوانی عاطفی و ذهنی بین نوازندگان که در بدیهه‌نوازی و پاسخ مناسب چون عنصر اساسی به یاری تکنیک قوی می‌آید در اجرای تالار وحدت نشان داد که گروه شیدا و عارف از این نظر به حد بالایی از وحدت و یگانگی دست یافته است که در موسیقی ایرانی نقش اساسی دارد. برجسته‌ترین تجلی وحدت ذهنی و عاطفی

و هم‌حسی را در کار زیبای علیزاده و ارشد طهماسبی (دونوازی قطعه شورانگیز) می‌بینیم که به‌رغم پیچیدگی قطعه با احساس کامل و هماهنگی والا اجرا شد.

در کسرت تالار وحدت، خواننده در حاشیه قرار می‌گیرد از اینرو که موسیقی می‌کوشد به ذات خود نزدیک شود و خواننده را چون یکی از عناصر در نظر بگیرد و هم از اینرو که "شهرام ناظری" و "صدیق تعریف" از نظر تکنیک و حسن از زمانه خود و از کسرت و گروهی که در آن حضور یافته‌اند، عقب هستند. شاید دورافتادگی از تحولات زمانه از سوئی و نداشتن تمرین، پرکاری بیهوده، شهرت و اعتبار در میان عوام و... سبب شده است که خوانندگان مشهور ما به بیراهه بروند در موسیقی گروه شیدا و عارف شعر نقش رهبری‌کننده را از دست می‌دهد و هماهنگی سازها و ملودیهایی سرزنده و تازه قضا و حسن اصلی اثر را ارائه می‌کنند.

علیزاده نه تنها یک آهنگساز نوآور که نوازنده‌ای صاحب سبک است. ترکیب تکنیک عالی و نوانس (حالت و احساس)، تلفیق آئین شهودی، خلاقیت و ردیف در بداهه‌نوازی به ساز او چهره‌ای مشخص می‌دهد. تکنوازی سه‌تار در آغاز کسرت، با تمامی تلاطمات درونی و بیرونی جامعه و آدمی در دورانی چنین پیچیده و سرشار از درد و رنج، چنان توری برمی‌انگیزد که گوشتی سماع عارفانه مولوی را با عشق آدمی به حقیقت و آزادی درهم می‌آمیزد.

فرج سرکوهی

مهرداد گرجی سازنده سه‌تار سنتور تلفن ۶۲۱۷۲۹